

زنده باد سوسیالیسم!

دوره دوم شماره ۹ // دی ماه ۱۳۹۹

راه سرخ

ارگان فعالین داخل کشور سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

کارگران
سراسر جهان
متحد شوید!

آزادی

مسکن

کار

چرا " خلع ید یک کلام والسلام " ؟ !!

مساله ی بیت کوین و بحران تامین انرژی و محیط زیست

نگاهی اجمال به رویدادهای مهم سال ۲۰۲۰

سوء استفاده رژیم از کادر درمان

بازی با جان مردم فقط برای بقاء

هر دم از این باغ بری میرسد!

شبی بود برای خودش!

مختصر در مورد " شورا "

و باز همچنان

ما

این بام های کوچک توفان
آهنگ پیشگویی توفان ناگهان
با داغ های تافته
- گل های زخم و پوست -
با سینه های سوخته می خوانیم
از بند بند قلعه ی تاریک

آزادی

ای تحول خونین

ای انقلاب دور

و نزدیک

سعید سلطانیپور



سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی، برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی!



چرا

” خلع ید یک کلام والسلام “ ؟ !!

مجتمع نیشکر هفت تپه با داشتن هکتارها زمین زیر کشت و تاسیسات متعدد صنعتی به عنوان یکی از بزرگترین مجتمع های کشت و صنعت کشور و در عین حال با داشتن قریب به پنج هزار کارگر از مهمترین قطبهای کارگری در خوزستان و کشور محسوب میشود و به همین دلیل همواره مورد توجه و از حساسیت امنیتی بالایی در در منطقه برخوردار است و همه جناحهای سرمایه داری مصمم در به خدمت گرفتن و کنترل آن هستند. آنچه در این سالها با مبارزات کارگران هفت تپه شکل گرفته تجلیی زیبا از وحدت و هبستگی کارگران است و گواهی بر این که کارگران متحد هیچگاه شکست نخواهند خورد، ولی نباید حرکت هفت تپه را به شکلی انتزاعی و جدا از جنبش مبارزاتی طبقه کارگر ایران بررسی کرد، واقعیت این است که اعتراضات کارگران هفت تپه علیرغم وسعت آن به لحاظ نفوذ دخیل در آن و مدت زمانی تداوم آن نتوانسته با دیگر بخشهای کارگری ارتباط برقرار کند و عاملی برای برانگیختن و همراهی کارگران سایر مراکز کارگری شود، اعتراضات کارگران هفت تپه حتی نتوانسته همراهی و حمایت سایر اقشار شهر شوش را هم کسب کند و به همین دلیل با وجود وسعت حرکت نتایج کمی به دست آورده است. آنچه در حرکتهای اعتراضی کارگری همواره مغفول میماند و به آن توجه ای نمیشود این نکته مهم است که کار صنفی جدای از کار سیاسی نیست و ماهیت سرکوبگر و استبدادی رژیم جمهوری اسلامی است در این سالها به خوبی نشان داده که هیچ اعتراضی حتی صنفی را بر نمیتابد و به همه آنها نگاه سیاسی دارد و برای جلوگیری از توسعه آن به خشن ترین شکل برخورد میکند، نمونه ها بسیار است

۲- عدم شناخت و تفاوت قائل شدن بین جناحهای مختلف سرمایه داری و محوری قرار دادن شعار بازگشت مالکیت کارخانه از بخش خصوصی به بخش دولتی که آخرین نمود آن همین شعار ” خلع ید یک کلام والسلام “ بوده که اتفاقاً در این مورد اخیر هم جریانی چپ نما میداندار شده، کارگرانی که تا چندی قبل با سر دادن شعار ” نان، کار، آزادی، اداره شورایی “ لرزه به اندام سرمایه داران انداخته بودند، اکنون با دخالت جریانات فرصت طلب چپ نما و مهره های حاکمیت به ابزاری در خدمت جناح موسوم به اصولگرا بر علیه باند وابسته به ” جهانگیری “ معاون اول رئیس جمهور و ” شریعتی “ استاندار خوزستان و کلا نئولیبرالهای درون حاکمیت قرار گرفته اند. نکته مهم این است، روزی که قرار بود هیات داوری وضعیت مالکیت هفت تپه را مشخص کند این عده مدافع منافع کارگر !! روبروی ساختمان وزارت دادگستری با شعار ارتجاعی ” خلع ید یک کلام والسلام “ تجمع کرده بودند و نکته جالب اینجاست که در کنار این افراد عده ای هم از نیروهای ارزشی یا همان بسیجی های معروف با همین خواسته تجمع کرده بودند.

هنوز گلوله باران هوایی کارگران و شلاق زدن و حبس های طولانی مدت صرفاً برای درخواست حقوق معوقه وووو از کارنامه رژیم پاک نشده است. از چنین رژیمی که هیچ تشکیلی خارج از چهارچوب های قراردادی خود، حتی تشکل های خیریه و محیط زیستی را تحمل نمیکند، چگونه میتوان انتظار داشت که تشکلهای صنفی کارگری را بپذیرد، سرنوشت سندیکاهای مختلف بهترین گواه است. آنچه کارگران هفت تپه طی این سالها فریاد زده اند عمدتاً بخشی از مطالبات سایر بخشهای کارگری است ولی متأسفانه با حمایت سایر کارگران مواجه نشده است.

بزرگترین نقطه ضعف حرکت هفت تپه

۱- حرکت بر محور مجمع عمومی کارخانه که در اصل جمعی بی درو پیکر از تمامی گرایشات موجود درون کارگران از راست ترین تا چپ ترین، از صادق ترین تا امنیتی ترین، که از این جمع ناهمگون هیچگاه نتیجه قابلی برای کارگران بدست نمیآید و نمیتوانند خطری برای سرمایه داران باشند و جریاناتی تحت عنوان چپ عامدانه و آگاهانه مروج این راهکار هستند در حالی که کمیته های مخفی کارخانه تنها تشکل و سازماندهی ای است که میتواند در خدمت منافع کارگران باشد.

۳- تاکید مکرر بر صنفی بودن خواسته ها و حرکتشان است که این خود عاملی شده که از حمایت اقشار مختلف شهر شوش که

عمدتاً شهری به لحاظ در آمدی ضعیف است، قرار نگیرد، همچنین حمایت سایر مراکز کارگری را با خود نداشته باشد و حرکتی با این وسعت و وحدت در همان محدوده و با همان خواسته ها که اکنون در حد دریافت حقوق معوقه تنزل یافته، باقی بماند.

آنچه گفته شد به این معنی نیست که طرح مطالبات صنفی و مبارزه برای تحقق آنها بی معنی است بلکه با تحلیل مشخص از شرایط و باور به این که کار صنفی جدای از کار سیاسی نیست، همواره باید توضیح داده شود که انتظار تحقق این خواسته ها از جمهوری اسلامی امری بعید است و ره به جایی نخواهد برد کما اینکه تا کنون نبوده آنها در شرایطی که رژیم در ضعیفترین و بحرانی ترین دوران حیات ننگین خود قرار دارد تاکید بر خواسته های صنفی صرف حرکتی رو به عقب و کمک به حاکمیت در از سر گذراندن بحران سیاسی

و اقتصادی است، با نگاهی به حرکت های اعتراضی کارگری به خوبی در میابیم که بعد از سالها مبارز کارگران، در دست یابی به خواسته هایشان نه تنها گامی به پیش نبوده اند بلکه اکنون دریافت دستمزد ناچیز کاری که انجام میدهند به اولویت اول مطالباتشان بدل شده. هر جا که رژیم مجبور به عقب نشینی اندکی شده بلافاصله در اولین فرصت با یورش و بازداشت و زندانی کردن کارگران و قلع و قمع گسترده جبران مافات کرده، در کنار طرح خواسته های صنفی می بایست ماهیت سرکوبگر و ضد کارگری رژیم را توضیح داد غیر از این جز قربانی کردن کارگران و خدمت به سرمایه داران و رژیم حامیشان نتیجه دیگری به بار نخواهد آورد کما اینکه در حرکت اخیر کارگران هفت تپه شاهد آن بودیم که چگونه یک حرکت مستقل کارگری با خواسته های مشخص مصادره به مطلوب شد و در خدمت جناح به اصطلاح انقلابی

که قصد دارد بعد از دولت روحانی بر سر کار آید و همه چیز را درست کند!! قرار گرفت، اکنون هفت تپه ای ها چشم امیدشان را به نهاد زیر نظر رئیسی جلاد دوخته اند تا حقشان را باز ستاند! آنها خلع ید از مالک خصوصی و بازگشت به تملک دولت. وظیفه همه کارگران پیشرو و آگاه است که ضمن حضور فعال در هر حرکت اعتراضی کارگری با افشای ماهیت سرکوبگر رژیم، توضیح دهند که تحقق خواسته ها فقط با سرنگونی جمهوری اسلامی با تمامی جناحها و باندهای حامی آن در هر رنگ و لباسی و استقرار حاکمیت شورایی کارگران میسر خواهد بود.

مرگ بر رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی
برقرار باد جمهوری فدراتیو شورایی
زنده باد سوسیالیسم
سازمان اتحاد فدائیان کمونیست
کمیته ایالتی تهران

هر کارگر و زحمتکش ایران در زندگی روزمره خود وقتی ناگزیر می گردد از حقوق و سطح معیشت خود در مقابل تعرض مداوم استثمارگران دفاع کند، به آشکارترین وجهی خود را در مقابل دستگاه جبر و ستم و سرکوبی میابد که به ایدئولوژی اسلامی نیز ملبس شده است و در میابد که در نظام سرمایه داری ایران، دستگاه دولت و تمام ضمائم آن ارگان سیادت و عامل بقا و بازتولید نظم موجودند.

بررسی اوضاع اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و تاریخی ایران و روند تکامل نظام سرمایه داری و اشکال مختلف سیادت سیاسی آن نشان می دهد که نظام سرمایه داری در ایران هر شکل سیاسی ای که بخود بگیرد، قادر به حل معضلات جامعه در جهت آزادی، عدالت اجتماعی و رشد و شکوفائی انسانها نیست.

ایران به یک تحول اساسی در تمامی عرصه های زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نیازمند است که تنها از طریق یک انقلاب اجتماعی بر علیه سیادت سیاسی و اقتصادی اقلیت محدود جامعه ممکن و قابل تحقق است.

اولین گام در این راه، سرنگونی جمهوری اسلامی، انهدام ماشین دولتی و دستگاههای مقتدر اداری و نظامی بورژوایی و برقراری نظامی فدراتیو و شورائیست که در آن اکثریت مردم از فرهنگها و ملیتهای مختلف برای اولین بار به دخالت در زندگانی خود می پردازند و برای ساختن آگاهانه جامعه ای که در آن از استثمار انسان بوسیله انسان، از تبعیض جنسی و نژادی، از سرکوب، زندان، شکنجه، اعدام و از بیکاری، بی مسکنی، فقر و تبعیض جنسی، از انهدام محیط زیست و... خبری نباشد، اقدام می کنند.

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست، واژگونی جمهوری اسلامی بمنابره برجسته ترین تکیه گاه نظام سرمایه داری حاکم بر ایران و سر سخت ترین دشمن آزادی طبقه کارگر و جایگزینی آن توسط جمهوری فدراتیو شورایی را وظیفه عاجل خود می داند.

از برنامه سازمان اتحاد فدائیان کمونیست



اجمال به رویدادهای
مهم سال

۲۰۲۰

نگاهی

پایگاه هوایی عین العسد آمریکا در خاک عراق، رژیم هواپیمای اوکراینی را که عمدتاً حامل اتباع ایرانی و اوکراینی و کانادایی بود به عمد با دو موشک سرنگون کرد و ۱۷۶ مسافر را به قتل رساند. فاجعه ای که پس از افشای آن از طریق مردم در فضای مجازی ابتدا زیر بار پذیرش مسئولیت آن نرفت اما با فشارهای بین المللی از جانب کانادا و اوکراین، ناکزیر به پذیرش آن تحت عنوان خطای انسانی شد و وقیحانه این جنایت را محدود به یک عذر خواهی ساده نمود و تا پایان سال ۲۰۲۰ هم پرونده این جنایت را معلق گذاشته و حتی غرامتی هم به خانواده ها پرداخت نکرده و از هر گونه پاسخ گوی و توضیح رسمی در محاکم بین المللی گریخته است. این فاجعه موجب خشم بیشتر توده های تحت ستم ایران که پیش از این در آبان ۹۸ شاهد کشتار علنی و سرکوب گسترده بودند، شد و آنها را به اعتراضی هر چند محدود در خیابانها و دانشگاهها کشاند.

ماه ژانویه در خارج از مرزهای ایران شاهد رویداد تاریخی و مهم دیگری بود و آن جدایی بریتانیا از اتحادیه اروپا بعد از ۴۷ سال بود. در ماه دوم سال ۲۰۲۰ کنگره آمریکا بدون تأیید سنا قانونی در جهت کاهش اختیارات دونالد ترامپ برای حمله به ایران تصویب کرد. این مصوبه در آمریکا اگر چه در واکنش به ترور سلیمانی و محکوم کردن اقدام ترامپ بود و لیکن نه تنها از تهدیدهای بعدی ترامپ علیه ایران نکاست بلکه چون تأیید سنا را نداشت عملاً پروسه تشریفاتی قانونی شدن را رعایت نکرد و توجیهی مناسب برای رعایت نشدن از جانب ترامپ داشت. ماه فوریه در ایران نیز همراه با خبر شیوع کرونا و ورود آن به ایران از طریق مسافران چینی بود. مسئله

و بقاء جمهوری اسلامی در منطقه به نفع متحدانش و علیه خلق های تحت ستم ایران و عراق و سوریه و... به کار برده میشد و به موازات آن پروپاگاندای رژیم حضور و دخالتهایش را در عراق و سوریه، با گره زدن مبارزه با داعش و دفاع از حریم امامان شیعه توجیه میکرد و تلاش بی وقفه بر این داشت تا از وی چهره ای مقدس برای توده ها بسازد. سلیمانی در ماه ژانویه با دستور مستقیم ترامپ در عراق، زمانی که همراه با ابو مهدی مهندس از رهبران حشد الشعبی بود به وسیله موشکهای آمریکایی هدف قرار گرفت و پروژه انتقام سخت رژیم از آن لحظه کلید خورد، پروژه ای که رژیم ایران هدفش از آن را اولاد دامن زدن به جنگ با آمریکا که در آن به عنوان کشور مظلوم و قربانی شده خود را معرفی کند و دوم احیای سیاست مذهبی اش از طریق قهرمان سازی با سلیمانی و پیوند آن با گرایشات مذهبی توده ها برای فرار از بحرانها و تضاد های حاد درونی اش همچون بحران آبان ۹۸، بود، که این هدف محقق نشد زیرا در مدت کمی پس از ترور سلیمانی، در همین ماه ژانویه ۲۰۲۰ و در امتداد پروژه انتقام سخت ایران از آمریکا، پس از حمله موشکی به

با آغاز سال جدید میلادی و شروع تحولات نوین به دنبال آن در عرصه بین المللی، یاد آوری رویدادهای تأثیر گذار سال گذشته که مردم جهان و ایران شاهد تحولات بسیار مهم در صحنه سیاسی و اجتماعی و اقتصادی بودند، میتواند برای توده ها به داشتن نگاهی جامع تر با حفظ حافظه تاریخی، در مواجه با پدیده های سیاسی و اقتصادی پیش رو کمک کند.

اولین ماه میلادی یعنی ژانویه در ایران برابر با جمعه ۱۲ دی ۹۸ با خبر مهم ترور قاسم سلیمانی کلیدی ترین فرمانده سپاه پاسداران، معروف به جلااد خاورمیانه به دست آمریکا در عراق شروع شد. قاسم سلیمانی که نفر اول پیاده سازی مشی میلیتاریستی رژیم و دخالتهای مستقیم نظامی جمهوری اسلامی در منطقه بویژه در سوریه و عراق و لبنان و فلسطین بود و سالها پیش از این رویداد در لیست "سیاه آمریکا" و سازمانهای "حقوق بشری" به عنوان تروریست قرار گرفته بود و از طریق وی و نهاد تحت اختیار او مبالغ گزافی برای حمایت از گروه های شبه نظامی مزدور همچون حزب الله و حوثی ها و حماس و رژیم اسد وووو از ایران منتقل شده بود. هزینه های که در حقیقت برای حفظ اقتدار

مهمی که رژیم علیرغم اطلاع کامل از آن بخاطر برگزاری انتخابات مجلس، آن را مکرراً تکذیب میکرد و جان شهروندان را در معرض خطر گسترده قرار داده بود و با وجود تبلیغات گسترده و دعوت به مشارکت مردم در انتخابات، به دلیل خشم عمومی و اطلاع مردم از شیوع کرونا از منابع خبری غیر رسمی، مورد تحریم قرار گرفت و با مشارکت ۵۷/۴۲ درصد طبق آمار رژیم مفتضح ترین انتخابات رژیم برگزار شد.

ماه مارس، کرونا به عنوان بیماری همه گیر جهانی (پاندمی) رسماً از طرف سازمان بهداشت جهانی معرفی شد، اکنون این ویروس بخش اعظم جهان را آلوده کرده بود. ارائه پروتکل و توصیه به رعایت محدودیت های گسترده برای جلوگیری از شیوع بیشتر بیماری از طریق دولت های ملل مختلف هر کدام به طریقی صورت گرفت، برخی کشورها بر مبنای توصیه های سازمان بهداشت جهانی قوانینی وضع کردند و دولت برخی کشورها مانند پاکستان از اساس وجود این بیماری را انکار کردند و بسیاری از کشورها از جمله افغانستان و هند به دلیل عدم وجود امکانات مناسب جهت غربالگری وضعیت نامعلومی در تشخیص مبتلایان و قربانیان داشتند. رژیم ایران در این ایام ابتدایی پاندمی، بر خلاف پروتکل های جهانی حرکت میکرد و به سبب فضای هژمون مذهبی در کشور، وارد چالش عمیقی با اقشار خرافی مذهبی که خود آنها را پرورش داده، جهت بستن اماکن مذهبی و مساجد و جلوگیری از مراسم های مذهبی شد. رژیم پس از تعطیلی کسب و کار و مشاغل که به دنبال آن بسیاری از مردم طبقات مختلف بویژه کارگران شغل خود را از دست دادند و در ضیق معیشتی قرار گرفتند، هیچ کمکی

معیشتی بر خلاف رویه دیگر کشورها نکرد و به سبب عدم ایجاد محدودیت در پروازهای ماهان به چین، در آمار مبتلایان و فوت شده های ناشی از کرونا در رتبه های بالای جهانی قرار گرفت. در ماه آوریل با تداوم وضعیت مبارزه با شیوع کرونا، آمار تلفات در جهان رو به افزایش گذاشت و حتی برخی مقامات همچون لاریجانی در ایران و بوریس جانسون در انگلیس به صف مبتلایان پیوستند. به موازات پاندمی در این ماه در افغانستان ۱۰۰ عضو گروه تروریستی طالبان در چهار چوب توافق آمریکا با طالبان از زندان بگرام آزاد شدند که مورد انتقاد شدید مردم افغانستان قرار گرفت. با به قتل رساندن جورج فلویید سیاهپوست توسط پلیس آمریکا، ماه می با اعتراضات گسترده مردمی در تمامی ایالت های آمریکا آغاز شد و مضحک اینکه رژیمی که خود همیشه ید طولایی در ستم به اقلیتهای نژادی و خلق های گرد و لرو ترک و بلوچ و... دارد فریاد محکوم کردن قتل جورج فلویید را سر داد و از قصد خود در نام گذاری خیابانی به نام وی خبر داد. همچنین در این ماه شاهد بازداشت "فلیکن گابولا" از عاملان کشتار صدها هزار تن در نسل کشی رواندا بودیم. گسترش شیوع کرونا در ماههای آتی عملاً منجر به تعطیلی مسابقات ورزشی شد و در ماه جولای حادثه انفجار نطنز بار دیگر نگاهها را متوجه اسرائیل کرد. در آمریکا اعتراضات در محکوم کردن قتل جورج فلویید شدت گرفت و دامنه اش به دیگر کشورهای جهان کشیده شد، در آمریکا حتی منجر به پایین کشیدن مجسمه هایی که نماد تاریخ آمریکا بوده، انجامید. در سیاتل معترضین حتی تا چند روز شهر را به تسخیر خود درآوردند.

در ماه نوامبر ترور محسن فخری زاده از عوامل و رئیس فعالیتهای هسته ای و موشکی ایران توسط اسرائیل در آبسرد دماوند خبر ساز شد رویدادی که هیچ پاسخی به جز چند تهدید توخالی از جانب رژیم ایران نداشت و انتقام سخت را به روز موعود موکول کردند.!!

در کابل هم طالبان جنایت دیگری آفریدند و با حمله به دانشگاه این شهر تعدادی از دانشجویان را کشته و مجروح کردند و علیرغم اعلام رسمی دولت افغانستان مبنی بر دست داشتن طالبان در این جنایت و فوران خشم مردم، رژیم ایران که همواره حامی طالبان است آن را به داعش نسبت

داد و محکوم کرد. همچنین آتش بس میان آذربایجان و ارمنستان بر سر منطقه قره باغ با وساطت روسیه با شرط واگذار کردن قره باغ به آذربایجان، انجام شد.

ماه پایانی سال ۲۰۲۰ همراه بود با خبر کشف واکسن کرونا توسط شرکتهای فایزر و بیون تک و تأیید آن از طرف سازمان بهداشت جهانی، و همچنین کشف گونه جهش یافته این ویروس در انگلیس.

انتخابات آمریکا بعد از کش و قوسهای فراوان در ماراتن شمارش آرا نهایتاً به پیروزی بایدن به عنوان چهل و ششمین رئیس جمهور آمریکا با رای نمایندگان کالج الکترال و شکست ترامپ انجامید، شکستی که در ادامه تقلب در انتخابات و اعتراض طرفداران ترامپ و تقاضای شمارش مجدد آرا را به دنبال داشت. در ایران هم شاهد اعدام بدون اطلاع قبلی روح الله زم مدیر شبکه خبری تلگرامی آمد نیوز بودیم. وی در سال ۹۶ توانسته بود با در اختیار گذاشتن اطلاعات محرمانه از موقعیتها و مراکز سپاه و بسیج از طریق شبکه تلگرامی خود، مردم رابه ادامه اعتراضات علیه رژیم تشویق کند، وی در حالی که پناهنده فرانسه بود با تطمیع و فریب نیروهای سپاه ر بوده و به ایران منتقل شد و نهایتاً پس از دریافت حکم اعدام و اجبار به مصاحبه تلویزیونی در مقابل مجری امنیتی تلویزیون (رضوانی) که حضور مردم در سال ۹۶ را اغتشاشات توصیف کرده بود گفت " شما میگویید اغتشاشات ما میگوییم اعتراضات"، اعدام شد ولی همین جمله همدردی و واکنش مثبت مردم را برایش به همراه داشت، مردمی که در این سال و سالهای گذشته شاهد اعدام و کشتار بسیاری از سوی رژیم بودند، از جمله اعدام "نوید افکاری" جوانی دلیر و آزاده هیوا

که تا آخرین لحظات زندگیش با بیان اینکه " فهمیدم اینها دنبال گردنی برای طناب دارشان هستند " از ستیز با این رژیم جلااد پا پس نکشید و سربلند و با افتخار جان باخت.

همچنین در این ایام پس از مدتها کشمکش دولت و مجلس، کلیات طرح اقدام راهبردی برای لغو تحریمها در مجلس با ۲۵۱ رای موافق در جهت فرمان خامنه ای به تصویب رسید و می رود که حاکمیت وارد فاز جدیدی از مواجهه با دولت بعدی آمریکا برای مذاکره با دست پر! شود.

در کنار تمامی این رویدادها، طبقات فرو دست بویژه در ایران در سال ۲۰۲۰ در تنگنای معیشتی شدید ناشی از شرایط کرونایی بدون کمکهای دولت قرار داشته و روزانه جای جای ایران اخبار خودکشی کارگران و کودکان محروم از تحصیل به گوش میرسد، در این سال خبر خشونت های خانگی علیه فرزندان و عدم دادرسی منصفانه و مجازات متناسب برای پدران به سبب قانون اسلامی، خود از موارد مورد اعتراض مردم بود. سرکوب گسترده کارگران و روشنفکران چپ به دستور رئیسی و صدور احکام سنگین برای آنان در سالگرد آبان امسال خبر از تلاش رژیم در شدت دادن اختناق میدهد و همه این موارد منجر به افزایش خشم توده ها و لزوم توجه به مسئله آگاهی طبقاتی توده های فرودست و اتحاد عملشان در مواجهه با حاکمیت جلااد است که به قطع در سال پیش رو، بیش از سال گذشته اعمال محدودیت خواهد کرد و توده ها باید بدانند که تنها راه رهایی اتحاد عمل و سازماندهی علیه مناسبات سرمایه داری موجود و حاکمیت سیاسی آن جمهوری اسلامی و تلاش برای تحقق انقلاب سوسیالیستی است.

هیوا

در جمهوری فدراتیو شورایی، تأمین بهداشت و ایمنی محیط کار، ایجاد سالن های سخنرانی، تأثیر، کتابخانه، محل استراحت، ورزش، مطالعه و حمام و غیره تضمین میشود. قوانین کار و جزئیات آن توسط شوراهای خود کارگران و زحمتگشان متناسب با محیط کار و شرایط کار تدوین می گردد.

* مهاجرین و سایر خارجیان ساکن جمهوری فدراتیو شورایی ایران، همچون دیگر شهروندان از حقوق کامل شهروندی برخوردارند و حق اشتغال به کار بدون استخدام کار دیگران، برای آنها تضمین می شود.

* شوراهای محلی بدون هیچگونه تشریفاتی به اینگونه خارجیان حقوق شهروندی و برابر اعطا می کنند.

* در جمهوری فدراتیو شورایی ایران، به کلیه پناهجویانی که بخاطر جرایم سیاسی، مذهبی، عقیدتی، مورد آزار و اذیت قرار گرفته و در خواست پناهندگی می کنند، پناهندگی اعطا کرده و حقوق کامل شهروندی آنها را برسمیت می شناسد.

تحصیل

* بمنظور تأمین و تضمین ارتقای سطح دانش کارگران و زحمتگشان، جوانان، مالکیت خصوصی و روابط و مناسبات ناشی از آن از سیستم آموزش و پرورش برچیده می شوند و با دگرگونی بنیادی در نظام آموزشی کشور بر مبنای آخرین دستاوردهای علمی و فنی در زمینه آموزش و پرورش، امکانات تحصیلات رایگان و همه جانبه برای کلیه شهروندان تضمین می شود.

باشد و فقط پرداخت حقوق مطرح باشد و به بدلیل بیکاری و نبود در آمد هزاران پرستار به این قرار داد تن دادند و به کار مشغول شدند با این وجود با اتمام قرار داد دریافت حقوق، شد معضل جدیدشان و هر روز در شهرهای مختلف شاهد تجمعیهای متعدد آنها برای دریافت حقوق شان هستیم، در این رابطه رژیم وقاحت را به منتها رساند و وزارت بهداشت بعد از اعلام شهرهایی تحت عنوان شهرهای زرد به بیمارستانهای این شهرها ابلاغ کرد که با پرستاران مازاد پیش از سر رسیدن موعد قراردادشان با آنها تسویه حساب کنند و شرم آورتر این که همین تسویه حساب هم فقط بر روی کاغذ انجام شد و بیشتر این افراد بدون دریافت مبلغی از کار برکنار شدند و به خیل طلبکاران وزارت بهداشت پیوستند، این در حالی است که بیمارستانها از قبل تست های کرونا و مراحل درمان آن در آمد سرشاری بدست آورده اند و بودجه های کلانی در اختیار وزارت بهداشت قرار داده شده، این در حالی است که رژیم هزینه نجومی خرج توسعه تسلیحات موشکی و سایتهای اتمی میکند. بی دلیل نیست که هزاران پزشک و پرستار که وجودشان برای بهداشت و درمان حیاتی است تن به مهاجرت داده اند. البته در جامعه ای که سیاست های درمانی و بهداشتی آن توسط رهبری سادیستی و مخبط تنظیم شود و رساله پزشکی معتبر آن صحیفه سجادیه و دانشمندان آن امثال جانبانی چون فخری زاده و مهندسان پزشکی اش آدمکشان مخترع کرونا یاب باشند و داروهای معتبر آن روغن امام کاظم و عنبر نسا، زهر زنبور و ادرار شتر باشد بیشتر از این انتظار می رود؟



ستمدیده شهر و روستا که در این ماهها با کمترین در آمد حتی ناتوان از تامین معاش روزانه خانواده، روزگار گذرانده اند طبعا پرداخت هزینه درمان برایشان از محالات است و به همین دلیل علیرغم عدم انتشار امار درست توسط رژیم بخش اعظم فونی های ناشی از کرونا در مناطق محروم و فقر زده بوده و به قول معروف مرگ فقرا هم صدا ندارد. آنچه از تعهد و از خود گذشتگی ذکر شد در قاموس رژیم فقط نسبت به طبقات مرفه و ثروتمندان و سرمایه داران است، اصلی ترین بخش جامعه که در صف مقدم جدال با این همه گیری قرار دارد کادر درمان و پرستاران و پرسنل بیمارستانها هستند که در این یکسال به زیباترین شکلی تعهد و از خود گذشتگی و مسؤلیت پذیری را تجلی بخشیدند ولی آنچه دریافت کردند جز خیانت و فرومایگی از جانب رژیمی که در بوق و کرنا از آنها به عنوان فرشتگان آسمانی که زینب گونه !! به کار مشغولند نام برده چیزی ندیدند، زمانی که در بهار امثال همه گیری به اوج خود رسید اقدام به استخدام انبوهی از پرستاران بیکار کرد آنها با قرار دادهای ۸۹ روزه که هیچ گونه تعهد بیمه ای و حقوقی برای وزارت بهداشت نداشته

حکایت غریبی است این جمهوری پلید و شارلاتان که موجب شده تمامی مفاهیم اخلاقی باز تعریف شود، از جمله هر آنچه از، از خود گذشتگی و تعهد و مسؤلیت پذیری تاکنون استنباط کردیم رنگ دیگری یافته است. با همه گیری کرونا که تمام جهان را تحت تاثیر قرار داده، پوچی و به بن بست رسیدن مناسبات سرمایه داری حاکم بر جهان به بهترین شکلی عیان شد که حتی در تامین ابتدایی ترین نیازهای زندگی افراد جامعه درمانده شده اند و در ارائه خدمات درمانی و بهداشتی هم فقرا و اغنیاء دارا و ندار هر کدام سهمی مناسب! خود را دارند، این وضعیت در ایران با برجستگی و نمودی بیشتری آشکار شده. در ایران اسیر یکی از فاسد ترین و شقی ترین رژیمهای تاریخ معاصر که همه چیز در خدمت سود جویی و طمع سرمایه داران حاکم قرار دارد، وضعیت کرونایی هم موقعیت مناسبی را فراهم کرد، در حالی که در قانون اساسی خود رژیم تامین بهداشت عمومی برای همگان تاکید شده، با دریافت هزینه های گزاف بابت درمان بیماران کرونایی که بعضا در بیمارستانهای لاکچری به چهل میلیون تومان رسیده و برای کارگران و زحمتکشان و توده های

مساله ی بیت کوین

و بحران تامین انرژی و محیط زیست



نسبت با سال های قبل، مدارس و دانشگاه ها تعطیل و ادارات دولتی در وضعیت نیمه تعطیل قرار دارند و مصرف انرژی گازی از هر سال کمتر می باشد .

در سال های اخیر بخش عمده ای از کمبود ذخایر گازی مورد نیاز نیروگاه ها به جهت تامین گاز کشورهای متحد جمهوری اسلامی چون عراق و سوریه بوده است که طبق معمول هزینه ی کمبود های ناشی از چنین اقداماتی را، مردم ایران با استنشاق

سوخت جایگزین یعنی مازوت و هوای آلوده باید متحمل شوند.

اما این تمام مسئله ی مربوط به حوزه ی انرژی اسما ل نبود، زیرا در کنار کمبود ذخایر گازی برای تامین نیروگاه های برق و جایگزینی مازوت به عنوان سوخت نیروگاه ها، از طرفی دیگر در روزهای اخیر خاموشی بی سابقه ی نقاط مختلف کشور، بخاطر قطعی برق هم شهروندان را به اعتراض کشاند .

دلیل واقعی قطعی برق گسترده، نه فقط کمبود ذخایر گازی برای تولید برق، بلکه همان مسئله ی استخراج " بیت کوین " که در ابتدا توضیح داده، توسط سپاه و امپریالیست های چینی در ایران است که این فعالیت نیاز به مصرف بسیار زیاد برق در مزارع بیت کوین دارد.

سپاه که سالهاست در خدمت امپریالیسم چینی و تامین همه جانبه ی منافع آن است، اینبار از باقی مانده ی ذخایر گازی و نیروگاه های برق خود، بدون توجه به سلامتی و نیاز شهروندان، این منابع را یکسره در خدمت به منافع چینی ها بکار برده و به علت ارزان در اختیار گذاشتن برق در ایران برای چینی ها و سپاه، این فعالیت بسیار سودآور تمام میشود . مدتی پس از افشای این موضوع و مخالفت

استخراج بیت کوین بوده و از آنجا که ماینر ها نیاز به مصرف برق بسیار بالایی دارند، حمایت حاکمیت از فعالیت چینی ها با در اختیار گذاشتن انرژی برق ارزان، و نیز شراکت با آنها، به لحاظ زیست محیطی و ناتوانی در تامین انرژی مورد نیاز برای شهروندان در ماه های اخیر بحران ساز شده است .

به این ترتیب که ابتدا این موضوع، موجب فعالیت بیشتر و غیر معمول نیروگاه های برق که با سوخت گازی کار میکنند شد، و به دنبال آن وزارت نیرو بخاطر کمبود ذخایر گازی از سوخت غیر مجاز مازوت بعنوان جایگزین استفاده کرد که به آلودگی گسترده ی هوای تهران منجر شد . در کنار آن پس از لو رفتن پخش مازوت در هوا و بیماری بسیاری از شهروندان در شرایط کرونایی، روزهای ابتدایی آلودگی هوا، وزارت نیرو استفاده از مازوت را تگزید کرد، اما به کمبود ذخیره ی گازی که نیروگاه ها برای تولید برق به آن نیاز دارند، اشاره کرد و طبق معمول مشکل کمبود سوخت گاز را بر گردن شهروندان انداخت که در زمستان انرژی گازی زیادی مصرف میکنند و وقیحانه اعلام کرد که " مردم باید در خانه لخت نشوند " ! این در حالی است که همگان واقفند که در

یکی از اخبار مهم اخیر ایران، تبعات و تأثیرات رمز ارز دیجیتال بیت کوین در مصرف منابع انرژی و تأثیرات زیست محیطی اش در ایران بوده است.

شبکه بلاک چین یا همان بیت کوین که جزو مشهور ترین مارکت های پول دیجیتال در جهان بوده و قوانین خاص خود را دارد، در واقع نوعی بانک نامتمرکز دیجیتال است که امکان ذخیره ی سرمایه و سودآوری احتمالی را برای خریداران فراهم میکند. این سرمایه ها و تراکنش های ثبت شده در این شبکه، از طریق ماینر ها (استخراج کنندگان) که تاسیسات پیچیده ی آنها در مکانی به نام مزرعه های بیت کوین قرار داشته و با انرژی بسیار زیاد برق کار میکنند، محافظت میشود .

شبکه ی جهانی بیت کوین، سرپرست و مدیر خاصی نداشته و در هر جای جهان که انرژی برق ارزان تر وجود داشته باشد، ماینر ها (استخراج کنندگان) بیت کوین فضای سودآور تری برای فعالیت دارند . که بزرگترین عملیات استخراج بیت کوین و فعالیت ماینر ها بخاطر برق ارزان در چین وجود دارد .

چینی ها همچنین در سالهای اخیر، در نقاطی از ایران به کمک سپاه و با مجوز دولتی، دارای تاسیسات گسترده ی

گسترده‌ی کارشناسان و مردم، ابتدا بخشی از گروه‌های حاکمیتی از تریبون‌های مختلف مانند صدا و سیمای جمهوری اسلامی، بارها استفاده از مازوت برای نیروگاه‌های برق را بالکل تکذیب کردند و نیز استخراج بیت کوین توسط چینی‌ها را انکار و این امر را نیز برگردن شهروندان سوداگر انداختند.

شرکت توزیع نیروی برق تهران نیز در صدد توجیه مسئله‌ی قطعی برق بر آمد و علت قطعی گسترده برق را در ابتدا "مصرف بیش از حد گاز" البته توسط مردم اعلام کرد و نیز رئیس جمهور از مردم خواست که در مصرف سوخت گاز که مورد نیاز نیروگاه‌های برق است، صرفه جویی کنند. اما در ادامه گسترده‌تر شدن افشاگری‌ها و مربوط به آسیب‌های ناشی از مزارع بیت کوین چینی‌ها و مصرف بیش از حد برقشان برای استخراج، دولت ناگزیر، نهایتاً استخراج بیت کوین و ارتباطش با مصرف برق را پذیرفت و اعلام کرد "که تلاش خواهد کرد که جلوی استخراج بیت کوین را بگیرد!" و نیز بجای عرضه‌ی مازوت به نیروگاه‌های برق، فعالیت آنها را محدود کند."

مدیر عامل شرکت توانیر نیز نهایتاً اعلام کرد: "در راستای مدیریت مصرف برق و جلوگیری از خاموشی، با استخراج‌کنندگان رمز ارز مجاز مذاکره کرده ایم تا در این زمان فعالیت خود را متوقف کنند و در این جهت فعالیت استخراج‌کنندگان رمز ارز چینی هم متوقف شده است" و حتی دولت برای فریب اذهان عموم ادعای تعطیلی یکی از مزارع بیت کوین چین در رفسنجان ایران را نموده و توانیر اعلام کرد: "بنابه درخواست مردم، استخراج ارزهای دیجیتال رفسنجان، اگرچه مجوز

قانونی دارد، اما تعطیل شده است، چون الویت تامین برق مسکونی است" اما دولت هرگز اشاره‌ای به همراهی سپاه در استخراج بیت کوین‌ها نکرد و در نهایت با وقاحت تمام پس از تمام شدن پروژه‌ی استخراج بیت کوین‌ها و خاموش کردن ماینرهای چینی، یکبارہ در مدت اندکی وزارت نیرو مدعی شد که سوخت مورد نیاز نیروگاه‌های برق تامین گردیده و شرایط نیروگاه‌های تولید برق کاملاً پایدار شده است!

همچنین حاکمیت برای توجیه مسئله‌ی کمبود سوخت گازی و تکرار احتمالاً دوباره‌ی اتفاقات اخیر در ایام پیش‌رو، از طریق حائری، معاون برق و انرژی وزارت نیرو اعلام میکند که: "در زمستان مصرف گاز در بخش خانگی سه برابر تابستان است و برای تامین مصرف بخش خانگی است که سوخت نیروگاه‌های تولید برق محدود میشود! ادعایی که قبلاً نیز مطرح کرده بودند و تکرار مجددش با توجه به شرایط محدود کرونایی، بی پایه بودنش اظہر من الشمس است و صدمت‌ها میتواند بهانه‌ی خوبی هم برای گران شدن گاز در روزهای آتی، جهت جبران هزینه‌ی سوخت مصرف شده توسط عوامل چینی و سپاه و نیز توجیهی بیش دستانه برای تکرار احتمالی این بحران‌ها باشد.

در کنار تمام این حواشی و توجیهات و دروغ پردازی‌های پی‌در پی رژیم، در گستره عملکرد، حاکمیت هیچ اقدام موثری در جهت معضل زیست محیطی آلودگی هوا، انجام نداده است.

روز جمعه ۲۶ دی ماه شرکت کنترل کیفیت هوا نیز، بعد از روزهای متمادی آلودگی هوا و وضعیت ناسالم و خطرناک برای تمام

گروه‌های سنی، اعلام کرد که "باورزش باد از شدت آلاینده‌ها کم خواهد شد". این امر نشانگر مضحکه حاکمیتی است که برای جان شهروندانش ارزشی قائل نبوده و آلودگی‌پر سابقه‌ی زمستانی هوای تهران را، امسال با سوخت مازوت برای حمایت از چین امپریالیستی، تشدید میکند و برای حل این بحران نه تنها هیچ هزینه‌ای نمیکند بلکه دست به دامان باد و باران میشود و بجای آن منابع مالی را صرف مشی میلیتاریستی و ساخت موشک و دخالت گسترده در منطقه و خدمت به متحدانش میکند.

حاکمیت جلادی که قریب به چهل سال است که مشی آن در جهت تخریب گسترده‌ی محیط زیست و منابع طبیعی بوده و نزدیک به ۱۰ نفر از فعالان محیط زیستی کشورش را که مدتهاست به خاطر انتقاد و فهمیدن اقدامات تخریبگرانه‌ی سپاه علیه محیط زیست، در زندان محبوس کرده و تحت شدیدترین شکنجه‌ها قرار داده است و یا دانشمند محیط زیستی‌ای چون کاووس سید امامی را در زندان میکشد و مدعی میشود که وی خودکشی کرده است. بنابر این لازمه‌ی بر انداختن چنین رژیم جنایتکاری، علاوه بر اتحاد خلق‌های تحت ستم، آگاهی طبقاتی توده ستمکش از شرایط سیاسی و وضع موجود بوده تا بتواند درک کند که تنها راه رهایی از استثمار ناشی از جامعه‌ی طبقاتی سرمایه داری اسلامی و رونمای ارتجاعی و پوسیده‌ی آن، انقلاب سوسیالیستی و اتحاد برای تحقق مقدمات آن است.

نابود باد سرمایه داری اسلامی و تمام دولت‌های امپریالیستی جهان!
"هیوا"

بازی با جان مردم فقط برای بقاء

مسعود

یافتن کارناوالهای محرمی و با افزایش آمارها و رنگ و وارنگ کردن شهرها منبعی برای کسب در آمد ابداع کردند، ممنوعیت تردد بین شهری با جریمه های یک میلیون روزانه و پانصد هزار تومان شبانه و ممنوعیت تردد درون شهری از ساعت بیست و یک که درآمد سرشاری را نصیب دولت کرد - به اعتراف معاون پلیس راهور تهران " تا تاریخ بیست دی چهار میلیون و هفتصد هزار جریمه دویست هزار تومانی در شهر تهران صادر شده"، با توجه به ترافیکی که در ساعت پایانی شب بوجود میاید همیشه خواه ناخواه عده ای در دام این تله افتاده و جریمه میشوند - در این بین تنها چیزی که مطرح نبوده و نیست بیکاری و تورم وحشتناک و وضعیت بحرانی معیشت توده ها است، البته بی انصافی نشود که دولت تدبیر و امید ابتدای امسال محبت کرد مبلغ یک میلیون تومان به عنوان کمک معیشت به همه پرداخت کرد با این شرط که دریافت کنندگان بپذیرند با سودش طی دوازده ماه از یارانه ها مسترد شود، این اقدام کل کاری بود که برای کمک به معیشت جامعه صورت گرفته است. اینک مسئله واکسن کرونا معضل دیگری شده که رژیم مفلس با توجه به اینکه هزینه های مهمتر دیگری دارد - رهبر فرزانه جانی دو روز پیش فرمودند " ما باید به دوستان مان در منطقه، طرفداران انقلاب اسلامی کمک کنیم و آنها را تنها نگذاریم -" دیگر پولی برای خرید واکسن نمیماند هر آنچه از پولهای بلوکه شده با هر ترفند از جمله گروگانگیری بتواند بدست آورد اراذل و اوباش مزدور منطقه ای رژیم در اولویت هستند، توسعه پایگاه های مملو از موشک از اهمیت بالاتری برخوردارند، گسترش سایتهای اتمی زیرزمینی، مهمتر از جان میلیونها نفر

داری را عیان کرد و در ایران سبب افزایش عمر جمهوری اسلامی شد. از اولین روزهای ظهور این ویروس منحوس!! هر یاره ای یافتند هر زمان به هر مناسبتی که به در دشان میخورد نزدیک شدند، آمارها را کاهش دادند و هر زمان فشار اقتصادی موجب اعتراض پراکنده توده ها شد آمارها افزایش یافت و موج پشت موج رسید، نخست شیوع گسترده آن را پنهان کردند تا راهپیمایی ۲۲ بهمن ۹۸ و انتخابات اسفند برگزار شود (که آن هم افتضاح به بار آمد)، بعد روحانی شارلاتان وعده داد تا شبه تمام میشود هر چند آن شبه نیامد ولی موجب شد رژیم از بحران اقتصادی که روزهای پایانی سال با آن درگیر شده بود و خشم و عصیان توده ها را افزون میکرد خلاصی یابد و تا ماه رمضان که رژیم به شدت به آن نیاز داشت، با کمک دعای هفتم صحیفه سجاده به توصیه رهبر مخبط به جنگ بلای نازل شده از طرف خدای رحمان و رحیمشان رفتند و به ناگه آمار مرگ و میر کاهش پیدا کرد و به دنبال آن روغن بنفشه امام کاظم تجویز شده اراذلی موسوم به اطباء اسلامی اثر دعای کذایی را دو چندان کرد و ماه مبارک!! به خوبی برگزار شد و بخشی از جامعه را مشغول کرد، دوباره موجی دیگر از افزایش آمارهای ابتلا و مرگ و ایجاد رعب و وحشت را شروع کردند تا ایام الله کذایی محرم فرا رسید و لازم بود که مشغولیاتی جدید توده ها را به جریان اندازند، پس آمارها را کاهش دادند و بهره ها از روزهای پر نعمت محرم بردند. با پایان

بیش از چهل سال است در ایران رژیمی استیلا یافته که فقط به بقاء خود به هر قیمتی فکر میکند و به این منظور از تمامی رخدادها و وقایع پیش آمده به بهترین وجهی بهره برده و میبرد. هر آنچه که برای توده ها بلا و مصیبت و رنج و عذاب بوده برای جمهوری اسلامی موقعیتی عالی برای تداوم حیات و تجدید قوا تلقی شده، آتش سوزی، سیل، زلزله، طوفان، خشک سالی، هجوم ملخها، ووو همه به مانند جنگ خانمان سوز، از نعمات خدادادی است که برای بقاء رژیم ارزانی میشود و رژیم هم به خوبی قدردان این نعمتها هست، آخرین مورد این هدایای خدادادی کرونا بود که با شیوع آن از آذر ۹۸ در چین، جمهوری اسلامی درمانده از اعتراضات آبان ۹۸ و سرخورده از تلاش بی نتیجه در برآورد انداختن جنگ با آمریکا که فقط با ساقط کردن عمدی هواپیمای اوکراینی، برگ دیگری بر پرونده قتل جنایاتش افزوده شد، و در شرایط وخیم اقتصادی و سیاسی که به اعتراف کارگزارانش هر آن انتظار شورش گسترده تر از آبان را میکشیدند، با جان و دل به استقبال این ویروس رفت و با سلام و صلوات آن را به ایران دعوت کرد و اکنون بعد از یک سال این ویروس یار غار و ضامن بقاء جانبان حاکم شده، اکنون تنها مسئله حفظ موجودیت این ویروس و طبعا حفظ نظام حاکم است. نکته مهم این نعمت خدادادی در این است که این ویروس در چهار گوشه جهان به ساده ترین شکل درماندگی و ناتوانی و ورشکستگی و ضد انسانی بودن مناسبات ارتجاعی سرمایه

هر دم از این باغ بری میرسد!

براستی آدمی در حیرت می ماند که حد و مرز خیانت و پلیدی و دناوت و... در جمهوری اسلامی کجاست؟ و کجا متوقف میشود؟ هر روز که چشم باز میکنیم شاهد نوعی جدید از کثافت کاریها میشویم. گویا این جانیان با بخشی از دنیا تبانی کرده اند تا با قربانی کردن فوج فوج انسانها در ایران و خاورمیانه عمری جاودانه برای خود تضمین کنند هر گوشه خاورمیانه و ایران را بنگریم دست تا مرفق خونین جمهوری اسلامی هویداست که حدیث مفصلی است و ذکر یک به یک آن ساعتها وقت میبرد، اما آخرین مورد آن قریب به بیست روز آلودگی وحشتناک هوای بسیاری از شهرها است که تاکنون به این وسعت و شدت سابقه نداشته و به شدت سلامتی و زیست مردم را تهدید میکند و شرم آور اینکه هیچکدام از مقامات با پراکندن اخبار جعلی، توضیحی درستی برای مردم نداشتند، ولی از آنجا که در قرن بیست و یکم با انبوهی از امکانات تکنولوژیک خبری زندگی میکنیم نه دوره قاجار و طبعا پنهان کاریهای رژیم خیلی زود آشکار میشود، اینبار هم آشکار شد که چگونه رژیم دست به هر کار کثیفی میزند تا بتواند کمبود درآمدهایی را که تا قبل از نفت بدست میآورد و اکنون به خاطر تحریمها قطع شده، جبران کند. صدور گاز به عراق و ترکیه و همچنین صدور برق به عراق و پاکستان و افغانستان شاهرگ حیات رژیم است به همین منظور هر ترفندی را به کار بست تا این روند نداوم داشته باشد و در عین حال بتواند جوابگوی نیازهای داخل، خصوصا گاز، باشد. در این بین معضل دیگری به معضلاتش افزوده شد، لو رفتن اقدامات چند ماهه اخیر رژیم در برپا کردن و استخراج ارزهای دیجیتال توسط سپاه با همکاری کشور دوست و برادر چین است که تکه گمشده این پازل وضعیت اسفبار آلودگی هوا است. ارز دیجیتال در این شرایط و خیم اقتصادی بهترین گزینه برای فرونشاندن بخشی از عطش سیری ناپذیر رژیم به پول است، در شرایطی که معادن گاز به دلیل متوقف شدن هر گونه سرمایه گذاری برای نوسازی یا از چرخه تولید باز مانده اند یا با کمترین ظرفیت کار میکنند، تامین گاز ترکیه و عراق در اولویت اول است و باید به هر طریقی تامین شود حتی اگر لازم باشد سوخت مورد نیاز نیروگاهها برق با مازوت (به قول وزیر نفت مازوت حاصل از تسویه نفت را هیچ کشوری حتی به رایگان از ما قبول نمیکند) و ناچار به سوزاندن آن در نیروگاهها که گاز کافی ندارند، هستیم) جایگزین شود و چون نیاز افغانستان و پاکستان و عراق به برق از اهمیت بالایی برخوردار است و دلارهای چمدانی آنها گره گشا، پس مبیایست به هر قیمتی با برقراری خاموشی های مکرر چند ساعته این برق را تامین کرد، حتی اگر نیروگاهها مجبور باشند با تمام ظرفیت با مازوت کار کنند تا علاوه بر تامین برق صادراتی، برق به اصطلاح مزارع استخراج ارز دیجیتال را فراهم آورند، تجهیزات تهیه ارز دیجیتال موسوم به "ماینر" هر کدام به اندازه یکسال یک آپارتمان برق مصرف میکنند و با این وضعیت در جای جای ایران برپا شده اند، در یک مورد فرمانداری شهر تهران روز ۲۶ دی اعلام کرد که ۵۰۰ ماینر در شهر ری تعطیل شد، از رهگذر در خطر قرار دادن سلامت و حیات توده ها سود سرشاری نصیب سپاه و دولت شده است. "هر ماینر را میتوان با نزدیک به دو میلیارد تومان تهیه کرد و با استفاده از برق ارزان در یک سوله کوچک با حل کردن معادلات پیچیده ریاضی و بدست آوردن بیت کوین، آن را به قیمت هر بیت کوین بیش از یک میلیارد تومان به دولت فروخت و به سود سرشاری دست یافت" این بخشی از گزارشی است که در اخبار بامدادی صبح ۲۷ دی رادیو ایران پخش شد. فقط در جمهوری جنایتکار اسلامی این همه وقاحت و بیش از این هم قابل تصور است. باید منتظر باشیم که اعمال رذیلانه تری از جمهوری اسلامی ببینیم.

ساکنین این سرزمین است، البته میلیونها نفری که در تامین ابتدایی ترین نیازهای معیشتی خود درمانده اند و به قول نایب رئیس کمیسیون بررسی بودجه ۱۴۰۰ - ۲۵ میلیون ایرانی چند ماه یکبار گوشت میخورند و در عوض دهک دهم در آمدی جامعه ۲۷ برابر دهک اول و دوم برای خرید گوشت هزینه کرده است". پر واضح است این دهک نورچشمی به راحتی میتواند هزار یورو یا بالاتر بابت واکسن انگلیسی و آمریکایی به دارو فروشان شریف! ناصر خسرو بپردازد و بدین طریق با افاضات رهبر منفور اشتغال زایی جدیدی انجام میشود واکسن کرونا هم به جرگه داروهایی میبویند که برادران قاچاقچی تفنگ به دست مسئولیت وارد کردن و توزیع آن را بر عهده دارند و در ضمن هیچ رقیبی برای واکسن غذایی تولیدی هولدینگ "برکت" وابسته به نهاد رهبری وجود نخواهد داشت و بدین طریق چه سود سرشاری از یک طرف نصیب برادران قاچاقچی و از طرف دیگر نصیب باند مافیایی "برکت" رهبری میشود و از ما بهتران هم به واکسنشان میرسند و دلارها هم در چمدانها خنده بر لبان گفتارهای دوست میاورد، همه راضی و خوشحال، به جهنم که کارگران و تهیدستان و نیازمندان محروم از همه چیز هستند، چشمشان کور میخواستند عرضه داشته باشند و فقیر نشوند. مشکل واکسن با درایت، به قول "نمکی" پدر خانواده! حل شد اکنون باید به ادامه پروژه کروناپی پرداخت که معجزه وار بی هیچ دلیلی آمار فوتیها از نزدیک به چهار صد نفر به حدود هشتاد نفر رسیده و این روند ادامه خواهد داشت تا ۲۲ بهمن فرا برسد، برای بعد از آن هم فکری خواهد شد. نعمت غریبی است این کرونا.

و گریه میکند. دیگر برف را دوست نداری
می گوید دستهایم را می سوزاند.
من و شوهرم میخواستیم یک بچه دیگر هم
بیاوریم تا علی تنها نباشد و خواهر و
برادری داشته باشد، اما بلای آسمانی که
آمد و مرا از زیر آوار بیرون کشیدند،
بچه ام هم در شکم مرد. ۵ ماه گذشته
هنوز هم به سختی راه می روم. دیگر
آنقدر کم توان و فروتم که حوصله علی
بیچاره را هم ندارم. شوهرم هم آرام و
قرار ندارد همه اش سرگردان می چرخد،
جایی نمی رود و دور خودش و دور چادر
چرخ می زند، و باز می آید و ساعتها به
یک جا خیره میشود. همه چیز در یک
لحظه نیست شد، خانه، شهر، پدر و
مادر.... ما سه نفر مانده ایم، تنها آشنای
ما همسایه خانه مادرم است، سکینه و
شوهرش، آنها هم مثل ما تنهایند و از سه
تا بچه شان فقط زینب دختر هشت ساله
اش ماند، یک دختر و یک پسرشان را
شوهرش صبح روز زلزله روی شانه هایش
انداخت و داخل کانال بزرگی که کنده
بودند با لباس خودشان دفن کرد، مثل
آدم های سنگی بچه ها را آنجا گذاشت و
آمد نشست گوشه چادر و دیگر کم دیده
شد که از آن کنج بیرون بیاید، زینب اما
هر روز می رود آنجای کانال می نشیند و
با خواهر و برادرش حرف می زند، بیشتر
وقتها آنجاست، گاهی هم با علی بازی می
کند و حرف می زند، همیشه لبهایش ترک
خورده و خون می آید، علی را برایم نگه
م می دارد که بدوم و برم در صف
طولانی پر کردن پیک نیک. بیچاره زینب
بعد از آنروز رنگی به رخ ندارد هر شب
از خواب می پرد و می رود دنبال خواهر

و برادرش، سکینه می ترسد و شوهرش
کنج چادر بی صدا گریه می کند خیلی
لاغر است و انگار اصلا گرسنه نمی شود،
راه که می رود آدم می ترسد بشکند، تنها
که بماند گریه میکند، درست غذا نمی
خورد و لقمه هایش را دوست دارد ببرد
بیرون خانه و بخورد، سکینه دعا میخواند و
فوت میکند به او و هی نذر می کند.
دیشب شبی بود برای خودش، صبح نمی
شد لامصب، سرمایی بود! صبح نمی آمد
که نمی آمد، مرگ هزار بار آمد و رفت تا
سپیده زد. آفتاب که در آمد تازه چشمم
گرم شده بود و خواب داشت سنگینم
میکرد که فریاد زوزه ماندی بیدارم
کرد. سکینه مویه می کرد و شوهرش مثل
شیر زخمی عربده می کشید، یاد آن صبح
دردناک استخوان هایم را لرزاند، اشک
چطوری می آمد نمی دانستم اما چند
ثانیه ای نگذشت که زیر گلویم و گره
روسری ام خیس شد، دور چادر میگشتم و
نمی دانستم کجا بروم، سکینه جیغ می زد
و شوهرش عربده میکشید و من بی هدف
می چرخیدم، از چادر که بیرون آمدم

خشکم زد، با دو دست روی سرم کوبیدم و
روی زانوهایم افتادم، سکینه زینب را در
آغوش داشت و شوهرش مشت بر سر می
کوبید و عربده می زد، زینب کبود بود،
همه جایش کبود بود، چشمها و دهانش
باز بود و انگار هیچ وقت زنده نبوده. علی
داشت از چادر بیرون می آمد، شوهرم او
را بلند کرد و برد داخل چادر، نگاه
هراسانش را که دیدم به چادر دویدم و
در آغوش گرفتمش، چه خوب که زنده
است، مویه های سکینه را می شنوم، او را
در آغوش می فشارم و رنج و درد سکینه
بر سینه ام سنگینی می کند، نگاهم به نگاه
معصومی گره میخورد، هراسان می
پرسد:

باز هم بلای آسمانی آمد؟؟؟

بغض خفه ام کرده، هیچ ندارم که بگویم.

“شیرین”

” در جامعه ای که برای شرم آورترین طویله ها هم همواره
مستأجری یافت می شود و در جامعه ای که در آن مالک خانه
به عنوان سرمایه دار نه فقط حق دارد بلکه به علت رقابت تا
اندازه ای هم موظف است از خانه ملکیش با تساوت تمام بالاترین
کرایه ها را بیرون بکشد. در یک چنین جامعه ای تنگنای مسکن نه
یک چیز تصادفی بلکه یک سامانه ضروری است و آن را با تمام
عواقب و تأثیراتش بر سلامتی و غیره تنها زمانی می توان از میان
برداشت که تمام نظام اجتماعی ای که پرورنده آن است. از بیخ و
بن دگرگون شود. ”

انگلس



واژه ها و مقوله های فلسفی، سیاسی و اجتماعی

مختصر در مورد "شورا"

شورا که زندگی کوتاه و حوزه محدود محلی داشت، با اینحال نقش بسیار مهمی در پروسه انقلاب ۱۹۰۵ روسیه ایفا کرد. این شوراها بوروکراسی حرفه ای را با به رسمیت شناختن حق عزل و بازخواست بلافاصله نمایندگان انتخابی از بین برد و به سازماندهی کارگران، هدایت اعتصاب سیاسی و تسلیح توده ها پرداخت. گرچه شوراها در انقلاب فوریه ۱۹۱۷ نقش عمده ای را ایفا کردند و لنین به تئوریزه کردن وضعیت آنان و تاکید بر ضرورت تسخیر قدرت، درهم شکستن دولت بورژوائی پرداخت، با اینحال بمحض اینکه هژمونی منشیوها در این شوراها مشخص شد، لنین شعار "تمام قدرت بدست شوراها" را پس گرفت و شیوه های دیگر سازماندهی کارگران مانند کمیته های کارخانه که بر اساس کارگران استخدامی استوار بود، مورد تاکید قرار داد. البته این مسئله ابداً به معنی نفی شوراها نبود. لنین در پروسه مبارزه برای کسب هژمونی بلشویکها در

ویژه ای بوده و مافوق مردم قرار دارند. عبارت دیگر بوروژوازی تبلیغ می کند که این نیروها نه ابزار حاکمیت استثمارگر برای سرکوب، بلکه در خدمت "همه مردم" بوده و بدون هویت طبقاتی هستند. اما دولت پرولتاریا، دولتی از نوع کمون است که تسلیح مستقیم و بلاوسطه توده ها را جایگزین ارتش و پلیس مجزا ساخته و در آن نمایندگان انتخابی هر لحظه قابل تعویض و عزل توسط توده های کارگر و زحمتکش می باشند. از اینروست که پرولتاریا شورا را به مثابه ارگان حاکمیت طبقاتی خود کتمان نکرده و آن را آشکارا ابزار "دیکتاتوری پرولتاریا"

شورا اگر اتحادیه، ارگان اقتصادی و حزب ارگان سیاسی - ایدئولوژیک مبارزه طبقاتی کارگران است، شوراها بیانگر فرم دولتی و ارگان حاکمیت توده ای طبقه کارگر و زحمتکشان می باشد. نظریات مارکسیستی موجود در مورد شورا بر اساس تجربه کمون پاریس و شکل گیری شوراها در انقلاب ۱۹۰۵ روسیه تدوین شده است.

کمون پاریس بمنابۀ اولین شکل ارگان حاکمیت کارگری در دوره زندگی مارکس و انگلس ظهور نمود. این نهاد که بطور غریزی از دل مبارزه کارگران فرانسه علیه طبقه حاکم خودی و جنگ با آلمان شکل گرفت، عیرغم کمبودهای آن، توسط مارکس تئوریزه شد. او ضرورت درهم شکستن دولت بورژوائی و جایگزین ساختن آنرا با نهادی نوین که همانا کمون بود، عملاً اثبات نمود. کامل ترین نوع دولت بورژوائی، جمهوری دمکراتیک پارلمانی است که مجلس موسسان عالی ترین ارگان تصمیم گیرنده آن است. در این جمهوری، ماشین دولتی، دستگاهها و ارگانهای اداری آن از نوع معمولی و سابق است. همچنین ارتش دائمی، پلیس و مامورین دولت عملاً تعویض نشدنی و دارای امتیازات

دشمن ما می‌کوشد با جلوگیری از هر گونه حرکت سیاسی در سطح توده‌ای و با ازدیاد روز افزون تفریحات [افیون‌های] سهل الوصول. کارگران ما را به پذیرش خصیلت عمومی خرده بورژوائی عادت دهد و به این طریق پادزهر آگاهی سیاسی را در میان آنان بپراکند.
"رفیق امیر پرویز پویان"

شوراها بعد از انقلاب فوریه ۱۹۱۷ و پس از کسب این هژمونی در ماههای سپتامبر و اکتبر همان سال، آنها را حامل "دولت جدید" پرولتری معرفی نمود و اشاره کرد که از آنجا که تضاد دولت بورژوائی و دولت پرولتری متمرکز شده در شوراها،

معرفی می نماید. چرا که دولت در جوهر خود، ابزار حاکمیت طبقه ای بر طبقات دیگر است. فرم دیگری از حاکمیت کارگری بصورت سوویت برای اولین بار در اکتبر ۱۹۰۵ در سنت پترزبورگ شکل گرفت. این نوع

در شرایط " قدرت دوگانه" اساسا تضادی آشتی ناپذیر است، لذا درهم شکستن دولت بورژوائی و کسب قدرت دولتی توسط شوراها، ضروری است. وی برخلاف آثار کوسندیکالیستها به دفاع از تمرکز قدرت شوراها پرداخت.

لنین در ارائه دیدگاه خود در مورد قدرت شورائی با دو موضع انحرافی مبارزه نمود. یکی با نظرات راست روانه ابرت EBERT و کوهن COHEN در آلمان که اساسا با مارکسیسم بیگانه بوده و شوراها را بمثابة سازمانهای موقتی که صرفا در پروسه جنگ شکل گرفته و بمحض کسب قدرت منقرض می شوند، قلمداد می کردند. وی همچنین موضع "مارکسیستی" (موضع "میان راه") کائوتسکی و ادلر ۱۹۱۸ که با هدف خط کشی با "چپ روی" و راست روی ارائه شده بود را مورد انتقاد قرار داد.

کائوتسکی در نوشته خود، "دیکتاتوری پرولتاریا"، با قبول اینکه سازماندهی شورائی، مهمترین پدیده عصر است، به افای مجلس موسسان توسط لنین انتقاد کرد. بویژه وی به محروم ساختن بورژوازی از شرکت در شوراها شدیداً انتقاد نموده و کاریست این سیاست را در آلمان نادرست اعلام کرد. استدلال وی آن بود که این سیاست موجب محروم ساختن مخالفین از حیطة مبارزه کارگران شده و موجب عدم رشد آگاهی و تجربه طبقاتی پرولتاریا می گردد و سرانجام این امر منجر به رشد "دیکتاتوری" حزب در درون طبقه کارگر می گردد.

از آنجا که شوراها فرم دمکراتیک تری از پارلمان بورژوائی بود، لنین پس از کسب

قدرت دولتی توسط پرولتاریا از طریق شوراهاى انقلابی، مجلس موسسان را منقرض اعلام نمود. وی در مقاله "وظائف مبرم دولت شوراها" ۱۹۱۸ به این امر تاکید نمود که اتفاقاً "خصلت سوسیالیستی دمکراسی شورائی، یعنی پرولتری، که عملا امروز عینیت یافته است در آن است که انتخاب کنندگان خود توده های کارگر و زحمتکش بوده و بورژوازی عملا از آن بکنار گذاشته شده است" چرا که حوزه انتخاباتی دیگر نه بر مبنای طول و عرض جغرافیائی، بلکه بر اساس عرصه کار و تولید تعیین شده است.

پس از لنین، گرامشی انقلابی ایتالیایی درصدد تئوریزه کردن تجربه شوراهاى کارخانه تورین برآمد. اگر چه وی در آغاز به درکی اتویائی از نقش و ماهیت آنان مبتلا بود، ولی در آثار بعدی خود، بخصوص در "یادداشتهای زندان"، با درس گیری از شکست این شوراها، به تصحیح نظرات خود پرداخت، البته باید متذکر شد که سانسور زندان و شیوه

نگارش پیچیده گرامشی زمینه درکهای متفاوتی از نظرات او را در سالهای بعد بوجود آورد. بقول گرامشی، شورای کارخانه (که گرامشی آنرا مترادف با سوویت بکار می گیرد) نه فقط سازمانی برای مبارزه طبقاتی - سیاسی می باشد، بلکه "مدلی از دولت پرولتری است، همه مسائلی که در مورد سازماندهی یک دولت پرولتری مطرح است، در سازماندهی شورا شکل می گیرد". بقول وی اتحادیه های کارگری، فرم سازماندهی ای است که جزء ارگانیکى از سرمایه داری بوده و اساسا خصلت رقابتی و نه کمونیستی دارند، چرا که در آنها کارگران نه بمثابة تولید کنندگان، بلکه بمثابة مزدبگیران که نیروی کار خود را خرید و فروش می کنند، شرکت می جویند. در حالیکه شوراهاى کارخانه از درون پروسه کار شکل گرفته و تقسیم مسئولیت های درونی آن بر اساس تقسیم کار درون کارخانه استوار است. ■

کارگران پیشرو و مبارزین راه آزادی و

سوسیالیسم .

تلاش جهت وحدت جنبش کمونیستی یک وظیفه

مبرم است .

برای سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی و

برقراری سیستم اقتصادی. اجتماعی نوین مبتنی بر

شوراها در یک جبهه انقلابی متحد شویم.



کارگران جهان متحد شوید!

ویژه نامه

راه سرخ

ارگان رسمی فعالین داخل کشور سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

ویژه نامه "راه سرخ" به مناسبت پنجاهمین سالگرد حماسه ی سیاهکل بزودی منتشر می شود.

دولت در سوسیالیسم

از برنامه سازمان اتحاد فدائیان کمونیست:

وجود حکومت حکایت از وجود طبقات در جامعه و سیادت یک طبقه بر طبقه کارگر دارد. شکل اداره حکومت می تواند دموکراتیک یا دیکتاتوری، سلطنتی یا جمهوری، پارلمانی یا شورایی، متمرکز یا فدراتیو، مذهبی یا لائیک و یا اشکال دیگری باشد. اما همه این اشکال در یک وجه با هم مشترکند: در همه آنها دولت نماینده طبقه حاکمه است. اگر طبقات استثمارگر سیادت سیاسی، یعنی دولت را برای حفظ شرایط استثمار، یعنی برای منافع اقلیتی ناچیز علیه اکثریت هنگفت مردم لازم دارند طبقات استثمار شونده، سیادت سیاسی را برای محو کامل هرگونه استثمار، یعنی برای منافع اکثریت هنگفت مردم علیه اقلیت ناچیزی از برده داران معاصر که سرمایه داران باشند، لازم دارند و آنچه که ماهیت دولت سوسیالیستی را تشکیل می دهد این است که در آن طبقه کارگر بر سایر طبقات هژمونی یافته، جامعه در جهت حذف طبقات و از بین بردن پایه های مادی نیاز به حکومت و دولت و بوروکراسی حرکت می کند. بر خلاف جامعه سرمایه داری که در آن دموکراسی همواره در تنگنای استثمار سرمایه داری فشرده می شود. سوسیالیسم برای تأمین آزادی بی قید و شرط همه افراد جامعه مبارزه می کند. هدفی که جز با الغای طبقات و زوال دولت ممکن نمی شود و از اینرو برای تأمین و تضمین آزادیهای بی قید و شرط سیاسی باید برای تحقق آن مبارزه کرد و سیادت طبقات را برانداخت. طبقه کارگر در جریان تکامل مبارزه طبقاتی بجای جامعه کهنه بورژوازی آنچنان اجتماعی بپا خواهد کرد که وجود طبقات و تقابل طبقات غیر ممکن خواهد بود. دیگر هیچگونه حاکمیت سیاسی وجود نخواهد داشت. چرا که قدرت حاکمه سیاسی مظهر تقابل طبقات درون جامعه سرمایه داریست. با محو طبقات دولت نیز زوال میابد و انسان و فعالیت های گونه گون وی به تمام معنا از هر قید و شرطی آزاد میگردد.

تماس با سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

روابط عمومی سازمان
webmaster@fedayi.org

کمیته آذربایجان

azer@fedayi.org

کمیته تهران

Tehran@fedayi.org

کمیته کرج

karaj@fedayi.org

کمیته کردستان

کارگران پیشرو و مبارز!

با سازماندهی کمیته های مخفی کارخانه. هسته های سرخ و با تلفیق فعالیت
علنی و مخفی به توده کارگران در جهت ایجاد شکل های مستقل و تحقق
خواستهای فوری شان یاری رسانید.

از طریق ایمیل زیر گزارشات، نظرات و پیشنهادات ارزشمند و انتقادات سازنده
خود را با ما در میان بگذارید و ما را در بالا بردن کیفیت نشریه و انجام وظایف
انقلابی مان یاری رسانید.

Rah_sorkh@yahoo.com

کار، مسکن، آزادی، جمهوری فدراتیو شورایی!